

ارزیابی میزان فعالیت آنزیم‌های اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی و تغییر بعضی خصوصیات

شیمیایی در خاک تیمار شده با کمپوست و ورمی کمپوست تحت کشت ذرت

سیده رقیه احمدپور^{۱*}، محمد علی بهمنیار، سروش سالک گیلانی و اکبر فرقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری؛ samaneh.ahmadpor@yahoo.com

دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری؛ mabahmanyar@gmail.com

مریی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری؛ soroosh1352@yahoo.com

استادیار دانشگاه گیلان؛ forghani@guilan.ac.ir

چکیده

به منظور بررسی وضعیت برخی خصوصیات شیمیایی خاک و میزان فعالیت دو آنزیم اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی در اثر کاربرد کودهای آلی تحقیقی در سال ۱۳۸۷ به صورت اسپلیت پلات در قالب طرح بلوکهای کامل تصادفی در سه تکرار انجام شد. فاکتور اصلی تیمار کودی (T_۱= شاهد، T_۲= کود شیمیایی (سولفات پتاسیم، سوپر فسفات تریپل و اوره به ترتیب ۱۰۰، ۱۲۰، ۲۲۵ کیلوگرم در هکتار)، T_۳= کمپوست ۲۰ تن در هکتار، T_۴= ورمی کمپوست ۲۰ تن در هکتار، T_۵= کمپوست ۴۰ تن در هکتار، T_۶= ورمی کمپوست ۴۰ تن در هکتار) و فاکتور فرعی سال کوددهی: یکسال کوددهی (سال ۸۵)، دو سال کوددهی (سال ۸۵ و ۸۶)، سه سال کوددهی (سال ۸۵، ۸۶ و ۸۷) بود. کود آلی و شیمیایی در زمان کاشت مصرف شدند و دو ماه پس از کاشت ذرت از عمق ۰-۲۰ سانتیمتری از سطح خاک نمونه برداری صورت پذیرفت. پس از آماده‌سازی نمونه‌ها، میزان ماده آلی، نیتروژن کل، فسفر قابل جذب و فعالیت آنزیم‌های اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی در خاک اندازه‌گیری شد. نتایج نشان داد که با به کارگیری کمپوست زباله شهری و ورمی کمپوست میزان فعالیت آنزیم اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی افزایش یافت و با افزایش مقدار مصرف، فعالیت آنزیم‌ها تشدید یافت. بیشترین میزان فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی و اوره‌آز به ترتیب در تیمار ورمی-کمپوست ۴۰ تن در هکتار ($114/00 \text{ mgN-NH}_3^+-\text{g}^{-1} \cdot \text{soil } 2\text{hr}^{-1}$) و ($3366/67 \mu\text{gPNP} \cdot \text{g}^{-1}\text{soil hr}^{-1}$) و کمترین میزان فعالیت در تیمار شاهد ($35/79 \text{ mgN-NH}_3^+-\text{g}^{-1} \cdot \text{soil } 2\text{hr}^{-1}$) و ($1144/90 \mu\text{gPNP} \cdot \text{g}^{-1}\text{soil hr}^{-1}$) مشاهده گردید. با افزایش سطوح و دفعات مصرف کودهای آلی بر میزان ماده آلی، نیتروژن کل و فسفر قابل جذب افزوده شده، و بیشترین میزان آنها در تیمار ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار که سه سال متوالی کود استفاده شده بود، مشاهده گردید. همچنین تفاوت معنی‌داری بین سالهای کوددهی از نظر فعالیت آنزیمی و خصوصیات شیمیایی اندازه‌گیری شده، مشاهده گردید، بیشترین فعالیت آنزیم‌ها و خصوصیات شیمیایی اندازه‌گیری شده در تیمارهای کودی که سه سال مستمر کود بکاررفته شد، مشاهده گردید.

واژه‌های کلیدی: کمپوست زباله شهری، ورمی کمپوست، اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی

مقدمه

روشهای موثر خنثی نمودن اثرات نامطلوب زباله‌ها و دیگر بقایای گیاهی، تبدیل به کمپوست و استفاده مجدد از آنها

به علت افزایش مواد زائد روی کره زمین، انسانها به فکر چاره‌ای برای از بین بردن آنها می‌باشند. یکی از

^۱ نویسنده مسئول، آدرس: ساری، ساختمان علوم خاک دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی

* دریافت: خرداد ۱۳۸۸ و پذیرش: آذر ۱۳۹۰

احتمال اینکه کود اوره اضافه شده بدون هیدرولیز از بین برود زیاد است. فرقانی (۱۳۸۲) تأثیر ۴ نوع ماده آلی کود دامی، کمپوست شهری، برگهای گیاه *Glyricidia* و *Pongmia* به مدت ۹۰ روز در آزمایش گلدانی به این نتیجه رسیدند که بیشترین مقدار فعالیت آنزیم اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی را ۳۰ روز پس از آزمایش مشاهده نمود. این افزایش فعالیت را به دلیل منابع کربن قابل تجزیه سریع و افزایش فسفر و نیتروژن آلی قابل دسترس دانست. در تحقیقی دیگر افزایش کود سبز چغندر قند به نسبت ۱ : ۲ به خاک (۱ برابر کود سبز چغندر قند و ۲ برابر خاک) فعالیت آنزیم اوره‌آز و بتا گلوکسیداز به ترتیب به میزان ۹۵/۵ درصد و ۹۸/۴ درصد افزایش یافت. همچنین این محققین با ترکیب کمپوست چغندر با کمپوست کتان به این نتیجه رسیدند که فعالیت آنزیم اوره‌آز و پروتئاز به ترتیب ۹۸/۲ و ۸۶/۸ درصد افزایش یافت (تجدا و همکاران، ۲۰۰۷).

با اضافه نمودن ۱ : ۵ ورمی‌کمپوست به خاک (۱) برابر ورمی‌کمپوست و ۵ برابر خاک) فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی و پروتئاز به طور معنی‌داری افزایش یافت (لیانگ و همکاران ۲۰۰۳). ساها و همکاران (۲۰۰۸) اعلام نمودند که با اضافه کردن ۳ نوع کود آلی، فضولات دامی، کمپوست و ورمی‌کمپوست فعالیت فسفاتاز اسیدی افزایش یافت و افزایش فسفاتاز اسیدی در کاربرد کود ورمی-کمپوست بیشتر نشان داده شده است (ساها و همکاران، ۲۰۰۸). با افزایش کاه برنج، فضولات خوک، کاه برنج به همراه فضولات خوک میزان فعالیت فسفاتاز قلیایی به ترتیب ۲۱۹، ۲۸۱ و ۲۷۴ درصد افزایش یافته است (لیانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

محققین اظهار داشتند که میزان فعالیت آنزیمی در ورمی‌کمپوست بیشتر از کمپوست می‌باشد (سابلر و همکاران، ۱۹۹۸). ورمی‌کمپوست‌ها دارای آنزیمها و هورمون‌های رشد می‌باشند، بنابراین نسبت به کمپوست‌های معمولی برتری دارند (ریگی، ۱۳۸۲). ورمی‌کمپوست حاوی مقادیر زیادی اسید هومیک می‌باشد (سن سی و همکاران، ۲۰۰۵ و ماسکیاندارو، ۱۹۹۷ و آتیه و همکاران، ۲۰۰۰). در آزمایش دیگری گزارش شده که میزان نیتروژن معدنی در کرت‌های آزمایشی ورمی-کمپوست‌دار بیشتر از کرت‌های شاهد بود و این بیانگر معدنی شدن مواد آلی در اثر افزایش فعالیت میکروبی است (کال و همکاران، ۱۹۹۲).

گزارشات متعددی در زمیه تأثیر مثبت انواع کمپوست بر رشد و عملکرد گیاهان وجود دارد. گزارش شده است که کمپوست تولید شده از کودهای دامی و

به عنوان کود آلی در زمین‌های کشاورزی است (طالب، ۱۳۷۲ و عمرانی، ۱۳۶۳). در دنیا از کودهای کمپوست به طور موفقیت‌آمیزی در تولید تعداد زیادی از محصولات کشاورزی استفاده می‌شود. با عرضه این کود آلی علاوه بر ارتقاء شرایط فیزیکی و حاصلخیزی خاک، شرایط بیولوژیکی خاک نیز تأمین می‌گردد (اقبال، ۲۰۰۲ و رایین و همکاران، ۲۰۰۱ و جیگلیوتی و همکاران، ۱۹۹۶). به هر حال اگر از زباله‌ها استفاده صحیح شود می‌توان تا حدی کمبود کودهای شیمیایی را در کشاورزی جبران نمود (زرین کفش، ۱۳۷۶).

ورمی‌کمپوست با بکارگیری کرم‌های کمپوستی متفاوتی تشکیل می‌شود که عمده‌ترین آنها ایسینیا فوتیدا^۱ می‌باشد. مدفوع کرم با ترشحات مخاطی دیواره روده و میکروبها مخلوط می‌گردد، این ترشحات باعث افزایش ثبات و قوام مدفوع می‌شود که به عنوان ورمی کمپوست مورد استفاده قرار می‌گیرند. سطح مواد مغذی در ورمی-کمپوست نسبت به مواد اصلی مانند کمپوست که از روشهای دیگری بدست می‌آیند بالاتر خواهد بود. سهم ورمی‌کمپوست در تأمین عناصر کم مصرف گیاهان بیش از عناصر غذایی پر مصرف شامل NPK می‌باشد. جدای از این ویژگی خاصیت تحریک رشد گیاهان توسط ورمی-کمپوست، افزایش جذب مواد مغذی، رشد و تولید محصولات زراعی و باغی، متأثر از ترشحات کرمهای خاکی و دیگر میکروبهایی است که با مدفوع کرم ترکیب شده‌اند (علیخانی و ثوابقی، ۱۳۸۵).

رز و همکاران (۲۰۰۳) طبق آزمایشی در خاکهای مدیترانه‌ای، تأثیر دو نوع ماده آلی تازه و کمپوست را بر خصوصیات میکروبی خاک بررسی نمودند. نتایج حاصل از تحقیقات آنها نشان داد که خاک غنی شده با ماده آلی کمپوست نسبت به خاک شاهد و خاک غنی شده با ماده آلی تازه، در میزان تنفس پایه، بیومس میکروبی و فعالیت آنزیمی افزایش معنی‌داری نشان داد. این محققین افزایش فوق را بدلیل بالا رفتن فعالیتهای میکروبیولوژیکی خاک، افزایش در تعداد میکروارگانیسمها و فعالیت میکروبی دانستند. نوربخش و همکاران (۱۳۸۰) اثر پودر یونجه را بر فعالیت آنزیم اوره‌آز مورد بررسی قرار داد. نتایج این تحقیق نشان داد که با ورود کربن آلی از طریق پودر یونجه، فعالیت اوره‌آز ۸۰/۸ درصد افزایش یافت. در ادامه همین تحقیق با بررسی خاکهای شنی و عاری از مواد آلی، فعالیت آنزیم اوره‌آز بسیار پایین گزارش شده است. زیرا تثبیت آنزیم اوره‌آز توسط رس یا ماده آلی وجود ندارد و

¹ *Eisenia Fotida*

فسفاتاز قلیایی و اوره‌آز اندازه‌گیری شد.

برای اندازه‌گیری فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی ابتدا به میزان یک گرم خاک توزین شد و سپس ۰/۲۵ میلی‌لیتر تولوئن و ۴ میلی‌لیتر بافر فسفات با (pH= ۱۱) و یک میلی‌لیتر از محلول سوبسترای پارانیتروفنل به آن افزوده شد و نمونه‌ها برای یک ساعت در دمای 37 ± 1 درجه سانتیگراد در انکوباسیون قرار گرفتند. بعد از آن محلول به وسیله کاغذ صافی واتمن ۴۲ صاف شد، ۴ میلی‌لیتر هیدروکسید سدیم ۰/۵ مولار و یک میلی‌لیتر کلرید کلسیم ۰/۵ مولار برای اتمام یافتن فعالیت آنزیمی بدان افزوده شده و کاملاً تکان داده شد. نمونه‌ها به وسیله دستگاه اسپکتروفتومتر در طول موج ۴۱۰ نانومتر اندازه‌گیری شدند و به صورت میکروگرم پارانیتروفنل بر گرم خاک خشک در یک ساعت انکوباسیون ($\mu\text{gPNP} \cdot \text{g}^{-1}\text{Soil hr}^{-1}$) محاسبه گردید (طباطبائی و همکاران، ۱۹۶۹).

برای تعیین فعالیت آنزیم اوره‌آز ابتدا ۵ گرم خاک با ۰/۲ میلی‌لیتر محلول اوره تیمار شده، و پس از افزودن ۹ میلی‌لیتر بافر تریس (تریس هیدروکسی متیل آمینومتان pH= ۹)، به مدت دو ساعت در دمای 37 ± 1 درجه سانتیگراد انکوباسیون شده، آنگاه ۳۵ میلی‌لیتر محلول KCl- Ag_2SO_4 (۲/۵ مولار نسبت به KCl و ۱۰۰ میلی‌گرم در لیتر نسبت به Ag_2SO_4) به آن افزوده شد. مقدار آمونیوم آزاد شده در سوسپانسیون موجود، به روش رنگ‌سنجی تعیین، و پس از کم کردن مقدار آمونیوم در تیمار شاهد، بر حسب میلی‌گرم آمونیوم آزاد شده به ازای هر گرم خاک در دو ساعت انکوباسیون ($\text{mg N-NH}_3^+ \text{g}^{-1} \text{soil } 2\text{ha}^{-1}$) گزارش گردید (طباطبائی، ۱۹۸۲). لازم به یادآوری است که این واحد معمول‌ترین واحد گزارش فعالیت آمیدوهیدرولازها است (فرانکبرگرو همکاران، ۱۹۹۳). مقدار نیتروژن کل خاک بعد از هضم با استفاده از اسید سولفوریک و کاتالیزور، به روش کج‌لدال (جولیوس و همکاران، ۱۹۱۰)، فسفر قابل جذب به روش اولسن و همکاران (۱۹۵۴) و ماده آلی خاک نیز به روش نلسون و سومنر (۱۹۸۲) اندازه‌گیری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار SAS و MSTATC محاسبه گردید.

نتایج

فعالیت آنزیم اوره‌آز

سال کوددهی، تیمار کودی و همچنین اثر متقابل سال کوددهی \times تیمار کودی در سطح ۰/۰۱ بر فعالیت آنزیم اوره‌آز معنی‌دار شد (جدول ۳). میزان فعالیت این آنزیم از تیمار شاهد تا تیمار T_6 یک روند افزایشی و معنی‌داری را طی نموده و حدود سه برابر گشته است (جدول ۴). کمترین مقدار آن در تیمار شاهد مشاهده

بقایای گیاهی به مدت ۶ سال پس از مصرف عملکرد آفتابگردان را افزایش داده است (هویتینک، ۱۹۹۴). تأثیر سه تیمار شامل کمپوست حاصل از بقایای کشاورزی، بدون کمپوست و کود شیمیایی که ارزش تغذیه‌ای معادل کمپوست مصرفی را داشته است در یک تناوب شش ساله گندم، ذرت و چغندر قند نشان داد که تیمار کمپوست بهتر از بقیه تیمارها عمل کرده است (بالدنی، ۱۹۹۶).

هدف از این تحقیق بررسی تأثیر سطوح و دفعات مختلف کاربرد کمپوست و ورمی‌کمپوست و همچنین کود شیمیایی بر میزان مواد آلی، نیتروژن کل، فسفر قابل جذب و فعالیت آنزیم‌های اوره‌آز و فسفاتاز قلیایی در خاک تحت کشت ذرت می‌باشد.

مواد و روشها

این تحقیق در سال ۱۳۸۷ در مزرعه تحقیقاتی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری با عرض شمالی ۳۵°۱۳' و طول شرقی ۴۲°۳۶' صورت پذیرفت. ارتفاع منطقه از سطح دریا ۱۶ متر و دارای آب و هوای معتدل می‌باشد. خصوصیات خاک مورد مطالعه در جدول ۱ آمده است.

این آزمایش در قالب طرح بلوکهای کامل تصادفی به صورت اسپلیت پلات با سه تکرار انجام شد. فاکتور اصلی شامل تیمار کودی اعمال شده و به صورت $T_1 =$ شاهد، $T_2 =$ کود شیمیایی (سولفات پتاسیم، سوپر فسفات تریپل و اوره به ترتیب ۱۰۰، ۱۲۰، و ۲۲۵ کیلوگرم در هکتار)، $T_3 =$ کمپوست ۲۰ تن در هکتار، $T_4 =$ ورمی-کمپوست ۲۰ تن در هکتار، $T_5 =$ کمپوست ۴۰ تن در هکتار، $T_6 =$ ورمی‌کمپوست ۴۰ تن در هکتار و فاکتور فرعی شامل سال کوددهی: یکسال کوددهی (سال ۸۵)، دو سال کوددهی (۸۵ و ۸۶)، سه سال کوددهی (۸۵، ۸۶ و ۸۷) اعمال گردید. اولین کوددهی در بهار سال ۸۵ به این صورت که تمام کرت 9×4 متری کود داده شد. در سال ۸۶ کرت‌ها به دو قسمت با ابعاد 6×4 و 3×4 متر تقسیم شدند. برای دومین کوددهی فقط به کرت 6×4 متری کود داده شد و قسمت کوچکتر کودی دریافت نکرد. در سال ۸۷ کرت با ابعاد 6×4 متر به ۲ کرت با ابعاد 3×4 متر تقسیم شد و فقط به یکی از این کرتها کود داده شد. ویژگیهای کودهای آلی کمپوست و ورمی‌کمپوست در جدول ۲ آمده است.

در سال ۸۷، ۶۰ روز پس از کوددهی و کاشت ذرت (کوددهی و کاشت در یک زمان) از عمق ۲۰-۰ سانتیمتری خاک نمونه‌برداری انجام شد. پس از انتقال نمونه‌های خاک به آزمایشگاه و هوا خشک شدن (به مدت یک هفته در محیط آزمایشگاه) نمونه‌های خاک به طور جداگانه کوبیده و از الک ۲ میلیمتری عبور داده شدند. سپس فعالیت آنزیم

کمپوست نسبت به تیمارهای کمپوست در هر دو سطح، فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی نیز در تیمارهای ورمی-کمپوست بیشتر شد و به بیشترین میزان خود در تیمار ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار با مصرف سه سال متوالی رسیده است (جدول ۵).

ماده آلی

تیمار کودی و سال کوددهی بر میزان ماده آلی خاک تأثیر معنی داری داشته است (جدول ۳). مقایسه میانگین‌ها نشان داد که ماده آلی خاک از تیمار شاهد تا تیمار T₆ افزایش معنی داری یافته و به جز تیمار کود شیمیایی که کود آلی دریافت نکرده، بقیه تیمارهایی که کمپوست و ورمی کمپوست دریافت نمودند از نظر ماده آلی نسبت به تیمار شاهد افزایش معنی داری داشتند. افزایش دفعات کوددهی نیز باعث افزایش ماده آلی خاک گردید (جدول ۴). کمترین و بیشترین مقدار ماده آلی خاک ۱/۰۶ و ۷/۱۸ درصد به ترتیب در تیمار شاهد و در تیماری که سه سال متوالی ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار دریافت نمود، مشاهده گردید (جدول ۵). در هر سه سال کوددهی با کود شیمیایی ماده آلی خاک با تیمار شاهد تفاوت معنی داری نشان نداد. در تیمار ۲۰ تن کمپوست و ورمی کمپوست در هکتار، با افزایش کوددهی، میزان ماده آلی نیز افزایش یافت، ولی فقط در تیمارهایی که سه سال متوالی ۲۰ تن کمپوست و ورمی کمپوست در هکتار دریافت کرده بود ماده آلی خاک افزایش معنی داری نسبت به شاهد نشان داد. چنین به نظر می‌رسد که با گذشت زمان کوددهی، بخش تجزیه پذیر کود آلی تجزیه شده و تنها بخش مقاوم به تجزیه باقی می‌ماند که این بخش قادر نبود اختلاف معنی داری بین تیمارهایی که یک یا دو سال ۲۰ تن کمپوست یا ورمی کمپوست در هکتار دریافت کرده‌اند، ایجاد نماید. تیمارهایی که ۲۰ تن در هکتار کمپوست و ورمی کمپوست دریافت نمودند در هر سه سال کوددهی با یکدیگر تفاوت معنی داری نشان ندادند (جدول ۵). در سطح ۴۰ تن کود آلی در هکتار که در سال اول و دوم، بین تیمارهای کمپوست و ورمی کمپوست تفاوت معنی دار وجود ندارد. اما در همین سطح در سال سوم کوددهی تفاوت معنی دار بین کود کمپوست و ورمی کمپوست مشاهده می‌شود. میزان ماده آلی کمپوست و ورمی کمپوست به ترتیب در سطح ۴۰ تن در هکتار سه سال کودخورده به ترتیب ۵/۵۴ و ۷/۱۸ درصد بوده است (جدول ۵). در کوددهی بین سطوح ۲۰ و ۴۰ تن کمپوست و ورمی-کمپوست در هکتار اختلاف معنی دار مشاهده شده است. تجدید ذخایر ماده آلی خاک بوسیله کودهای آلی اضافه شده باعث حفظ اختلاف ماده آلی در بین تیمارهای ۲۰ و

می‌شود که برابر با ($35/79 \text{ mgN-NH}_3^+ \text{g}^{-1} \cdot \text{Soil } 2\text{hr}^{-1}$) و بیشترین مقدار آن ($114/00 \text{ mgN-NH}_3^+ \text{g}^{-1} \cdot \text{Soil } 2\text{hr}^{-1}$) در تیماری که سه سال متوالی ۴۰ تن ورمی کمپوست دریافت نموده، بدست آمد. در تیمارهایی که فقط کود شیمیایی دریافت نمودند با افزایش مصرف کود شیمیایی در سالهای متوالی فعالیت آنزیم اوره‌آز کاهش یافته است (جدول ۵). به نظر می‌رسد افزودن کود شیمیایی بدون ماده آلی مانع فعالیت آنزیم اوره‌آز گردید، به طوری که در تیماری که فقط یک بار کود شیمیایی دریافت نموده فعالیت آنزیم اوره‌آز افزایش معنی داری نسبت به تیمارهایی که دو و سه سال کود شیمیایی دریافت نمودند، نشان داد. در تیمارهای ۲۰ تن در هکتار از هر دو کود آلی که با افزایش سال کوددهی، فعالیت آنزیم اوره‌آز افزوده یافت. ولی در تیمار ۲۰ تن ورمی کمپوست در هکتار افزایش فعالیت اوره‌آز بیشتر بوده است. در تیمارهای ۴۰ تن کمپوست در هکتار که سه سال متوالی کود خورده و تیمار ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار دو و سه سال متوالی کودخورده، فعالیت آنزیم اوره‌آز تفاوت معنی داری نشان داد که افزایش آن بدلیل بالا بودن میزان نیتروژن کل و ماده آلی در این تیمارها نسبت به سایر تیمارها می‌باشد (جدول ۵).

فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی

فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی تحت تأثیر سال کوددهی و تیمار کودی قرار گرفت و همچنین اثر متقابل سال کوددهی و تیمار کودی بر میزان فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی معنی دار شد (جدول ۳).

فعالیت این آنزیم در تیمار T₆ نسبت به تیمار شاهد بیشتر از سه برابر شده است. فعالیت این آنزیم از تیمار شاهد تا تیمار ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار روند افزایشی داشته و این روند در همه تیمارها نسبت به تیمار شاهد معنی دار می‌باشد. تعداد دفعات کوددهی به طور معنی داری فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی را تغییر داده، به طوری که بیشترین مقدار در تیمار سه سال کود خورده مشاهده شد (جدول ۴). کمترین مقدار فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی در تیمار شاهد ($\mu\text{gPNP} \cdot \text{g}^{-1} \text{Soil hr}^{-1}$) و بیشترین مقدار آن ($1144/90 \mu\text{gPNP} \cdot \text{g}^{-1} \text{Soil hr}^{-1}$) در تیماری که سه سال متوالی ۴۰ تن ورمی-کمپوست دریافت نموده مشاهده گردید. در تیمار کود شیمیایی با افزایش سال کوددهی میزان آنزیم فسفاتاز قلیایی کاهش معنی دار نشان داد. در سطح ۲۰ و ۴۰ تن کمپوست و ورمی کمپوست در هکتار با افزایش سال کوددهی نیز افزایش معنی دار آنزیم فسفاتاز قلیایی مشاهده شد. با افزوده شدن میزان ماده آلی تیمارهای ورمی-

۴۰ تن کمپوست و ورمی کمپوست در هکتار شده است. در این تحقیق نیز بیشترین مقدار ماده آلی در تیمار ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار که سه بار کود خورده اندازه‌گیری شد (جدول ۵).

نیترژن کل و فسفر قابل جذب

الگوی تأثیرپذیری نیترژن مانند مواد آلی بوده است. در این بررسی تیمار کودی و سال کوددهی بر میزان نیترژن کل تأثیر معنی‌داری داشته و همچنین اثر متقابل کود در سال کوددهی نیز اثر معنی‌داری بر میزان نیترژن کل نشان داده شده است (جدول ۳). مقایسه میانگین تیمارهای اعمال شده نشان می‌دهد در میزان نیترژن کل سایر تیمارها نسبت به تیمار شاهد افزایش معنی‌داری نشان داد. میزان نیترژن کل در تیمار T₆ تقریباً دو برابر تیمار شاهد گردید. میزان نیترژن کل به شدت تحت تأثیر سال کوددهی قرار گرفت، به طوری که با افزایش سال کوددهی میزان نیترژن بطرز معنی‌داری افزایش یافته است (جدول ۴). کمترین مقدار نیترژن (۰/۴۴ درصد) در تیمار شاهد و بیشترین مقدار آن ۰/۹۱ در تیماری که سه سال متوالی ۴۰ تن ورمی کمپوست در هکتار دریافت نمود مشاهده گردید (جدول ۵). به جز تیمار ۴۰ تن در هکتار کمپوست و ورمی کمپوست که سه سال متوالی کودخورده‌اند، بین سایر تیمارها با تیمار شاهد تفاوت معنی‌داری در میزان نیترژن کل وجود ندارد. به نظر می‌رسد پس از گذشت بیش از ۱ یا ۲ سال از آخرین کوددهی، بخش نیترژن قابل معدنی شدن^۱ خارج شده و یا به وسیله گیاه جذب و یا آبشویی گردیده است. یا میزان نیترژن در تیمارهای ۲۰ تن در هکتار در هر دو کود آلی در هر سه بار کوددهی آنقدر نبوده که بتواند تفاوت معنی‌دار با تیمار شاهد بوجود آورد. در تیمارهای کود شیمیایی نیز میزان نیترژن کل با تیمار شاهد معنی‌دار نبود. دلیل غیر معنی‌داری آن را با تیمار شاهد می‌توان شستشو و هدر رفت سریع کود اوره در طول آبیاری مزرعه و ریزش باران در ۶۰ روز پس از کوددهی دانست (جدول ۵). در اینجا نیز افزایش میزان نیترژن کل را در تیمارهای ورمی-کمپوست مشاهده می‌کنیم، ولی این افزایش در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار نبوده است.

میزان فسفر قابل جذب خاک نیز تحت تأثیر سال کودی و نوع تیمار کودی قرار گرفت که هر دو مورد اثر معنی‌داری بر میزان فسفر قابل جذب در خاک داشته‌اند (جدول ۳). میزان فسفر قابل جذب خاک با کودهای آلی مصرفی افزایش یافته، به طوری که بین تیمار شاهد تا تیمار

T₆ افزایش معنی‌داری مشاهده گردید. میزان فسفر قابل جذب خاک تحت تأثیر سال کوددهی قرار گرفته، به طوری که با افزایش سال کوددهی میزان فسفر قابل جذب بطرز معنی‌داری افزایش یافته است، ولی بین سال دوم و سوم کوددهی تفاوت معنی‌دار نبود (جدول ۴). کمترین مقدار فسفر (۲۹/۸۵ میلی‌گرم در گیلوگرم خاک) در تیمار شاهد و بیشترین مقدار آن (۷۰/۲۶ میلی‌گرم در گیلوگرم خاک) در تیماری که سه سال متوالی ۴۰ تن در هکتار ورمی-کمپوست مصرف شد، مشاهده گردید. در هر سه سال کوددهی در هر سطح کودی تفاوت معنی‌دار با تیمار شاهد مشاهده شده است. در همه تیمارها اعم از کود آلی و شیمیایی افزایش میزان فسفر قابل جذب با افزایش سال کوددهی مشاهده می‌شود. بیشترین میزان فسفر قابل جذب در تیمار ورمی کمپوست سه بار کود خورده مشاهده می‌شود. میزان عناصر غذایی موجود در ورمی کمپوست اغلب بیشتر از کمپوست می‌باشد.

همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه

عملکرد گیاه ذرت با فعالیت آنزیم اوره‌آز، فسفاتاز قلیایی، ماده آلی، نیترژن کل و فسفر قابل جذب همبستگی مثبت و معنی‌داری (به ترتیب $r=0/69$ ، $r=0/53$ ، $r=0/47$ و $r=0/82$ و $r=0/63$) در سطح ۰/۰۱ درصد نشان داده است. همبستگی مثبت عملکرد گیاه ذرت با ماده آلی نشان‌دهنده این است که با افزایش ماده آلی میزان عناصر غذایی نظیر نیترژن و فسفر در خاک فزونی یافته (جدول ۴) و موجب افزایش جمعیت میکروارگانیسم‌ها، افزایش فعالیت زیستی و بالا رفتن فعالیت آنزیمی گردید (جدول ۶). لذا کاربرد کمپوست و ورمی کمپوست موجب افزایش محصول دانه و رشد گیاه ذرت گردید (مامو و همکاران ۱۹۹۹، و متهان، ۲۰۰۰).

هریسون (۱۹۸۷) در تحقیقات خود گزارش نمود که فراهمی عناصر غذایی فسفر و نیترژن از شکل آلی به شکل معدنی، جذب آنها را برای گیاهان و میکروارگانیسم‌ها فراهم می‌نماید و با در دسترس بودن عناصر غذایی در خاک برای گیاه ذرت، افزایش عملکرد این گیاه را به همراه خواهد داشت. لذا در مطالعه حاضر، با توجه به افزایش فعالیت آنزیمی در تیمارهایی که کود آلی دریافت نمودند، میزان کربن قابل تجزیه افزایش یافته و شرایط برای افزایش جمعیت میکروبی فراهم شد و این جمعیت سطح بالاتری از فعالیت آنزیم اوره‌آز را ایجاد کرده است. ضمناً بین شاخص‌های ماده آلی و فعالیت آنزیم اوره‌آز همبستگی معنی‌داری ملاحظه گردید (جدول ۵). حضور کربن آلی بیشتر در خاک، علاوه بر آن که امکان فعالیت میکروارگانیسم‌ها را در خاک فراهم می‌کند، جذب

¹ Mineralizable Nitrogen

گردید. لی فید و همکاران (۲۰۰۲)، گزارش نمودند با افزایش کمپوست به زمین کشاورزی میزان کربن آلی و نیتروژن افزایش می‌یابد. درحالی که دومینگوئز و همکاران (۱۹۹۷)، گزارش نمودند که ترکیبات موجود در ورمی-کمپوست ۴۰ تا ۶۰ درصد بیش از کمپوست است (دومینگوئز و همکاران، ۱۹۹۷). کاربرد این کودهای آلی، افزایش ماده آلی خاک را همراه داشته و موجب بهبود افزودن فعالیت آنزیمی گردیده است. فرقانی (۱۳۸۲) با افزایش ماده آلی به خاک مشاهده نمود که فعالیت فسفاتاز قلیایی و اوره‌آز در خاک‌هایی که ماده آلی بالاتری دارند افزوده شده و دلیل آن را به افزایش سوسترای مورد نیاز این آنزیم بیان نمود.

در تیماری که یک یا دو سال از آخرین زمان مصرف کود آلی گذشته، دلیل وجود آثار باقیمانده مواد آلی ضمن بالا بردن مقدار ماده آلی خاک، میزان نیتروژن کل و فسفر قابل جذب نیز افزایش یافته و بعلاوه فعالیت آنزیمی نیز تحت تأثیر قرار گرفت. تأثیر سطوح کودی متفاوت بر ویژگی‌های مورد بررسی، بخوبی بیانگر این مطلب است که در سطوح مختلف کاربرد کمپوست و ورمی‌کمپوست اثرات متفاوتی از خود بر جای گذاشته‌اند. به بیان دیگر عامل سطح و دفعات کوددهی بخوبی توانسته است تمایز ایجاد شده در شاخص‌های اندازه‌گیری شده را منعکس کند. همچنین ورمی‌کمپوست اثر مثبت بالاتری نسبت به کمپوست در خاک داشته و علاوه بر بالا بردن فعالیت آنزیمی خاک، عملکرد را افزایش داده است.

محققین نیز نشان دادند که میزان اسید هومیک و کربن آلی در ورمی‌کمپوست بیشتر از کمپوست می‌باشد (سن سی و همکاران، ۲۰۰۵، ماسکیاندارو و همکاران، ۱۹۹۷ و آتیه و همکاران، ۲۰۰۰). و همچنین گزارش شده که میزان فسفر در کمپوست ۰/۳۵ می‌باشد، در مقابل میزان فسفر در ورمی‌کمپوست به ۰/۴۷ افزایش یافته است (علیخانی و ثوابقی، ۱۳۸۵).

ضمناً با توجه به نتایج آنالیز کودهای آلی و خاک منطقه به خاطر پایین بودن عناصر سنگین در خاک، کمپوست و ورمی‌کمپوست و همچنین pH قلیایی خاک منطقه مورد مطالعه، تأثیر سویی ناشی از عناصر سنگین بر فعالیت آنزیمی مشاهده نشد. دیگر نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده از کودهای آلی کمپوست و ورمی‌کمپوست فعالیت آنزیمی خاک را بیشتر از تیمارهای کود شیمیایی افزایش می‌دهد (جدول ۵).

لذا افزودن این کودهای آلی در خاک این منطقه نه تنها باعث کاهش کیفیت خاک نگردیده، بلکه فعالیت آنزیمی که یکی از مهمترین شاخص‌های سلامت و کیفیت

ملکول‌های آنزیم را روی سطح کلئیدهای آلی فراهم و باعث می‌شود که ملکول‌های آنزیم به صورت برون سلولی به فعالیت خود ادامه دهند. حضور مولکولهای آنزیم روی سطح کلئیدهای آلی باعث تداوم تأثیر و حفاظت آنها در مقابل صدمات ناشی از فعالیت پروتئازهای خاک می‌شود (نانی‌پیری و همکاران، ۱۹۹۶). همچنین بین فعالیت آنزیمی اوره‌آز و شاخص‌های شیمیایی، عملکرد گیاه ذرت و فعالیت آنزیم فسفاتاز قلیایی همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده گردید. ارتباط خطی که بین فعالیت آنزیمی و ماده آلی وجود دارد حاکی از آن است که با افزایش مواد آلی، جمعیت میکروبی در خاک افزایش و متقابلاً سنتز این آنزیم نیز افزایش یافته است.

وجود ارتباط بالا و معنی‌دار بین آنزیم فسفاتاز قلیایی با ماده آلی ($r=0/62$) مکانیسم‌های عنوان شده در آنزیم اوره‌آز را تقویت می‌نماید. همچنین آنزیم فسفاتاز قلیایی با شاخص‌های دیگر شیمیایی نظیر نیتروژن کل و فسفر قابل جذب همبستگی معنی‌داری (به ترتیب برابر با $r=0/73$ و $r=0/56$) در سطح ۰/۰۱ نشان داد. حضور ترکیبات آلی بیشتر در خاک منجر به افزایش مقدار ترکیبات استری فسفات و در نتیجه، باعث القای تولید آنزیم فسفاتاز قلیایی در خاک می‌شود (طباطبائی، ۲۰۰۳). باید توجه داشت که ماده آلی مقدار زیادی از بستر مورد نیاز آنزیم فسفاتاز قلیایی را دارا می‌باشد (هالمجکو و همکاران، ۱۹۸۴).

رفتارهای مشابه این دو آنزیم مورد مطالعه، حکایت از آن دارد که عوامل کنترل کننده این آنزیم‌ها در خاک مشابه می‌باشند. از آنجا که آنزیم‌های فوق هر یک مسئول انجام فرآیند هیدرولیز آنزیمی بخشی از ترکیبات آلی هستند افزایش هر کدام از آنها حاکی از آن است که جمعیت میکروبی خاک با دریافت کود آلی از سطح فعالیت بالاتری برخوردار شده و امکان سنتز مقادیر بیشتر آنزیم‌های فوق فراهم آمده است. چنین به نظر می‌رسد که کود آلی تنوع عملکرد زیستی خاک را افزایش داده است و این افزایش در هیدرولیز آنزیمی ترکیبات آلی در دو چرخه نیتروژن و فسفر به خوبی رویت گردید (حجتی و همکاران ۱۳۸۵).

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که افزودن کمپوست و ورمی‌کمپوست به عنوان کود آلی باعث افزایش عناصر غذایی و فعالیت آنزیمی گشته است و این روند با افزایش سطوح و دفعات کوددهی فزونی یافت. به طوری که در سطوح ۴۰ تن کمپوست و ورمی‌کمپوست در هکتار بیشترین میزان عناصر غذایی و فعالیت آنزیمی مشاهده

و میکروارگانیزم‌های خاک از بین می‌برند. ولی در آزمایش فوق به این نتایج رسیدیم که این دو نوع کود آلی و تعداد دفعات کوددهی نه تنها کیفیت خاک را از بین نبرده بلکه ماده آلی، عناصر غذایی و فعالیت آنزیمی خاک را افزوده است.

خاک است را افزایش داده است. با توجه به این نتایج می‌توان بیان نمود که کود آلی ورمی‌کمپوست اثر بهتری بر خاک نهاده و افزایش سال کوددهی باعث بهبود سلامت و کیفیت خاک گردیده است. برخلاف اینکه بعضی کودهای آلی دارای آلودگی‌هایی هستند که خاک را دچار آن نموده

جدول ۱- خصوصیات فیزیکی شیمیایی خاک قبل از آزمایش

عمق سانتیمتر	هدایت الکتریکی (دسی زیمنس بر متر)	اسید یته	بافت	مواد آلی (درصد)	نیتروژن کل (درصد)	نسبت C/N	فسفر	پتاسیم	منگنز	مس	روی	آهن	کروم	نیکل	کادمیوم	سرب
۲۰-۰	۱/۱۷	۷/۵۲	رسی سیلتی	۱/۶	۰/۱۵	۹/۵۷	۸/۷۸	۲۰۹/۷۴	۰/۳	۵	۱	۵۸	۰/۰۱	۲/۴	۰/۰۷۴	۲/۷۹

جدول ۲- خصوصیات شیمیایی کودهای آلی مورد استفاده در آزمایش

خصوصیات	واحد	کمپوست	ورمی کمپوست
pH	-	۸/۳	۷/۴
EC	dS.m ⁻¹	۲/۵	۳/۲
کربن آلی	درصد	۱۱/۳	۱۳/۰
نیتروژن کل	درصد	۱/۲	۱/۵
نسبت C/N	-	۹/۵	۸/۷
فسفر قابل جذب	mg/kg Soil	۳۷۰۰	۳۹۸۴
پتاسیم قابل جذب	"	۴۵۶۷	۴۹۸۷
کلسیم محلول	meq/lit	۱۹/۰	۲۱/۰
منیزیم محلول	meq/lit	۹/۰	۱۲/۰
آهن قابل جذب	mg/kg Soil	۲۱۷/۹	۱۵۲/۴
روی	"	۱۷۰/۵	۱۷۳/۰
مس	"	۱۷/۰	۲۲/۱
منگنز	"	۳۵/۷	۳۲/۳
کادمیوم	"	۰/۴	۰/۱
سرب	"	۷/۳	۰/۸
کروم	"	۱/۱	۵/۰
نیکل	"	۳/۸	۰/۷

جدول ۳- تجزیه واریانس شاخص‌های مورد مطالعه

فسفر قابل جذب mg/Kg	نیترژن کل (درصد)	ماده آلی (درصد)	فسفاتاز قلیایی µgPNP. g ⁻¹ Soil h ⁻¹	اوره‌آز mgN-NH ₃ ⁺ .g ⁻¹ . Soil 2hr ⁻¹	تیمار
۲۹/۸۵d	۰/۴۴d	۱/۰۶d	۱۱۴۴/۹۰d	۳۵/۷۹c	T ₁
۵۳/۲۵c	۰/۵۸c	۱/۲۱d	۱۵۷۰/۰۰c	۳۸/۹۵c	T ₂
۵۳/۴۰c	۰/۵۸c	۱/۶۸c	۱۸۸۶/۷۰bc	۵۵/۶۷b	T ₃
۶۳/۸۲b	۰/۶۱c	۲/۰۳c	۲۲۱۴/۴۰b	۶۲/۷۸b	T ₄
۶۵/۴۳ab	۰/۷۲b	۳/۶۵b	۲۵۹۲/۲۰a	۹۴/۳۴a	T ₅
۷۰/۲۶a	۰/۷۹a	۴/۸۳a	۲۹۵۱/۲۰a	۱۰۱/۴۹a	T ₆
سال					
کوددهی					
۵۲/۹۲b	۰/۵۴c	۱/۶۵b	۱۵۳۲/۰۰b	۵۶/۴۸c	Y ₁
۵۵/۰۸ab	۰/۵۸b	۲/۰۲b	۲۱۴۰/۸۰ab	۶۶/۶۹b	Y ₂
۵۹/۱۰a	۰/۷۴a	۳/۵۶a	۲۵۰۶/۹۰a	۷۱/۳۴a	Y ₃

***، ** و * به ترتیب معنی بودن در سطح یک درصد، پنج درصد و عدم تفاوت معنی‌داری.

جدول ۴- مقایسه میانگین شاخص‌های مورد مطالعه در تیمارهای مختلف کودی و سالهای متفاوت مصرف

میانگین مربعات						
فسفر قابل جذب	نیترژن کل (درصد)	ماده آلی (درصد)	فسفاتاز قلیایی	اوره‌آز	df	منابع تغییرات
۲۲۵/۱۷۰**	۰/۰۰۵*	۰/۲۱۰	۳۸۰۸۵۴/۵۸۰	۵۴۲/۶۸۰*	۲	تکرار
۲۳۶/۸۲۰**	۰/۲۱۰**	۱۸/۴۸۰**	۴۳۶۵۲۴۹/۱۳۰**	۱۰۴۱/۰۶۰**	۲	سال کوددهی
۳۸/۹۸۰	۰/۰۰۳*	۰/۲۹۰	۵۳۳۲۵۸/۹۱۰*	۱۶/۹۶۰	۴	خطا
۱۶۷۰**	۰/۱۵۰**	۲۰/۳۴۰**	۳۹۷۶۱۳۴/۰۷۰**	۶۸۶۸/۷۱۰**	۵	کود
۱۸۹۲						
۵۳/۶۰۰	۰/۰۲۰**	۲/۱۰۰**	۵۵۲۹۱۷/۶۷۰**	۳۵۶/۹۸۰**	۱۰	کود × سال کوددهی
۶/۰۲۰	۰/۰۴۰	۰/۴۶۰	۳۸۵/۰۷۰	۷/۷۲۰	۳۰	خطا کل
۱۰/۰۸۰	۶/۱۳۰	۱۹/۰۸۰	۱۸/۷۰۰	۱۱/۹۰۰	-	%CV

حروف مشابه در هر ستون نشان‌دهنده عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میانگین‌ها است.

T₁ تا T₆ در بخش مواد و روش‌ها توضیح داده شد.

Y₁: یک سال کوددهی Y₂: دو سال کوددهی Y₃: سه سال کوددهی

جدول ۵- اثر متقابل کمپوست و ورمی‌کمپوست بر برخی خصوصیات شیمیایی و فعالیت آنزیمی

فسفر قابل جذب (mg/Kg)	درصد نیترژن کل	درصد ماده آلی	فسفاتاز قلیایی µgPNP. g ⁻¹ Soil hr ⁻¹	اوره‌آز mg N-NH ₃ ⁺ . g ⁻¹ Soil 2hr ⁻¹	تیمار کودی
۲۹/۸۵k	۰/۴۴c	۱/۰۶e	۱۱۴۴/۹۰m	۳۵/۷۹hi	T ₁
۶۸/۲۰bc	۰/۴۸abc	۱/۰۲e	۱۶۵۶/۶۷i	۴۵/۰۰g	T ₂ -1
۵۶/۳۴gh	۰/۵۱bc	۱/۲۱e	۱۴۹۶/۶۷k	۳۹/۵۰h	T ₂ -2
۷۱/۷۴b	۰/۷۴abc	۱/۳۲e	۱۵۵۶/۶۷i	۳۲/۳۴i	T ₂ -3
۴۸/۵۰j	۰/۴۸abc	۱/۰۴e	۱۰۶۳/۳۴n	۴۸/۸۴g	T ₃ -1
۵۲/۵۰hij	۰/۴۹abc	۱/۳۴e	۲۰۵۰/۰۰g	۵۵/۱۷f	T ₃ -2
۵۸/۷۴fg	۰/۷۵abc	۲/۶۷d	۲۵۴۶/۶۷e	۶۳/۰۰e	T ₃ -3

۵۰/۵۷ij	۰/۵۰bc	۱/۰۷e	۱۳۵۰/۳۴۱	۵۶/۵۰f	T ₄ -1
۶۳/۲۷de	۰/۵۴abc	۱/۴۷e	۲۳۷۶/۶۷f	۶۲/۳۴e	T ₄ -2
۵۴/۷۷ghi	۰/۷۹abc	۳/۵۶cd	۲۹۳۳/۳۴c	۶۹/۵۰d	T ₄ -3
۶۰/۶۴ef	۰/۶۳abc	۲/۶۴d	۱۶۹۳/۳۴i	۷۴/۰۰cd	T ₅ -1
۶۳/۲۷de	۰/۶۸abc	۲/۷۷d	۲۷۶۰/۰۰d	۹۵/۳۴b	T ₅ -2
۶۷/۵۴bcd	۰/۸۵ab	۵/۵۴b	۳۳۲۳/۳۴b	۱۱۳/۶۷a	T ₅ -3
۶۴/۶۷cde	۰/۷۲abc	۳/۱۶cd	۱۹۴۲/۰۰h	۷۸/۰۰c	T ₆ -1
۶۹/۳۷b	۰/۷۵abc	۴/۱۳c	۲۹۶۱/۶۷c	۱۱۲/۴۷a	T ₆ -2
۷۶/۷۴a	۰/۹۱a	۷/۱۸a	۳۶۱۶/۶۷a	۱۱۴/۰۰a	T ₆ -3

*- میانگین‌هایی که در یک ستون حداقل در یک حرف مشترک هستند در سطح ۰/۰۵ آزمون دانکن تفاوت معنی‌دار ندارند.

T₁ تا T₆ در بخش مواد و روش‌ها توضیح داده شد.

۱: یک سال کود خورده ۲: دو سال متوالی کود خورده ۳: سه سال متوالی کود خورده

جدول ۶- روابط همبستگی شاخص‌های مورد مطالعه

ردیف	شاخص	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	فعالیت اوره‌آز	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	فعالیت فسفاتاز قلیایی	۰/۷۹**	۱	۱	۱	۱	۱
۳	ماده آلی	۰/۶۸**	۰/۶۳**	۱	۱	۱	۱
۴	درصد نیتروژن کل	۰/۷۴**	۰/۷۳**	۰/۷۱**	۱	۱	۱
۵	فسفر قابل جذب	۰/۵۳**	۰/۵۶**	۰/۵۲**	۰/۶۹**	۱	۱
۶	عملکرد	۰/۵۳**	۰/۶۹**	۰/۴۷**	۰/۸۲**	۰/۶۳**	۱

** نشان‌دهنده معنی‌دار شدن در سطح ۰/۰۱ می‌باشد.

فهرست منابع:

- حجتی، س.، ف. نوربخش و ک. خاوازی. ۱۳۸۵. تأثیر لجن فاضلاب بر شاخص بیومس میکروبی خاک، فعالیت آنزیمی و عملکرد گیاه ذرت. مجله علوم خاک و آب. جلد ۲۰، شماره ۱. ص ۹۳-۸۴.
- ریگی، م. ۱۳۸۲. ارزیابی گلخانه‌ای تأثیر سه نوع ورمی کمپوست و نیتروژن بر رشد و ترکیب شیمیایی ذرت و برنج. پایان-نامه کارشناسی ارشد رشته خاکشناسی. دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. ۱۵۹ صفحه.
- زرین کفش، م. ۱۳۷۱. حاصلخیزی خاک و تولید. مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- طالب، ن. ۱۳۷۲. شناخت و بررسی فرآیندهای کمپوست. دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- طالب، ن. ۱۳۷۲. بهینه سازی فرآیند تخمیر در کمپوست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مهندسی عمران مهندسی محیط زیست. دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه تربیت مدرس تهران. ۱۳۰ صفحه.
- علیخانی، ح. ع.، ثوابقی، غ. ر. ۱۳۸۵. تولید ورمی کمپوست برای کشاورزی پایدار. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. ۲۶۷ صفحه.
- عمرانی، ق.، ۱۳۶۳. دفن بهداشتی زباله. مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- فرقانی، الف. ۱۳۸۲. مطالعه تغییرات بیوشیمیایی و خصوصیات هومیک و فولویک اسید خاکهای مختلف تیمار شده با مواد آلی مختلف. هشتمین کنگره علوم خاک ایران، ص ۱۵. رشت ۱۲-۹ شهریور.
- نوربخش، ف.، ش. حاج رسولیها و گ. امتیازی. ۱۳۸۰. تأثیر برخی از ویژگیهای خاک بر فعالیت آنزیم اوره‌آز در شماری از خاکهای استان اصفهان. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی. ۵ (۳): ۹۵-۱۰۶.
- Atiyeh, R. M., Arancon, N., Edwards, C. A., Metzger, J. D. 2000. Influence of earthworm-processed organic wastes on plant growth. *Bioresource Technology*. J.

- 84: 7-14.
11. Baldoni, g., 1996. The influence of compost and sewage sludge on agriculture crops In: De Bertoldi et al. (Edits). *The Science of Composting*. Blackie Press, London. Pp: 430-438.
 12. Dominguez, J., Edwards C. A. and Suber, S. 1997. Effects of sewage sludge application method on corn production. *Commun. Soil Science. Plant Anal. J.* 23: 1705-1715.
 13. Eghball, B., 2002. Soil properties as influenced by phosphorus and nitrogen-based manure and compost application: Corn production and soil phosphorus. *Soil Science. J.* 63 : 895-901.
 14. Frankenberger, Jr., W. T. and Dick, W. A . 1993. Relationships between enzyme activities and microbial growth and activity indices in soil. *Soil Science Society of America Journal. J.* 47: 945-951.
 15. Gigliotti, G., D. Businelli, P. L. Giusquiani. 1996. Trace metals uptake and distribution in corn plants grown on a 6-year urban waste compost amended soil. *Agriculture, Ecosystems and Environment. J.* 58 : 199-206.
 16. Halemejko, G. Z., and Chrost, R. J. 1984. The roles of phosphatases in phosphorus mineralization during decomposition of lake phytoplankton blooms. *Hydrobiology. J.* 101: 489-502.
 17. Harrison, A. F. 1987. *Soil Organic Phosphorus*. C.A.B. International United Kingdom. 257.
 18. Hoitiink, H. A. J., Rose, M and Zondag R. L. 1994. Properties of material available for formulation of high-quality container media. *The Ohio State University, Extension Research Bulletin, Ornamental Plants, SC 154*. Columbus, OH.
 19. Julius, B., Cohen, T. 1910. *Practical organic chemistry, Kjeldal method to measure nitrogen*. 315-318.
 20. Kale, R. D., Malesh, B. C., Bano, K and Bagyarai, D. J. 1992. Influence of vermicompost application on the available macronutrients and selected microbial populations in a paddy field. *Soil Biological & Biochemistry. J.* 24(12): 1317-1320.
 21. Leifeld, J., Siebert, S., Kogel-Knabner, I. 2002. Changes in the chemical composition of soil organic matter after application of compost. *European journal of Soil Science. J.* 53 (2): 299-311.
 22. Liang, Y., Yang, Y., Yang, Ch., Shen, Q., Zhou, J., and Yang, L. 2003. Soil enzymatic activity and growth rice and barley as influenced by organic manure in an anthropogenic soil. *Geoderma. J.* 115: 149-160.
 23. Mamo, M., Rosen, C. G and Halbach, T. R. 1999. Nitrogen availability and leaching form soil amended with municipal solid waste compost. *Journal of Environment. J.* 28(4): 1074-1082.
 24. Mathan, K. K. 2000. Impact of biological wastes on soil physical properties and yield of maize and finger millet. *Madras Agriculture Journal. J.* 87(10-12): 618-620.
 25. Masciandro, G. 1997. Soil agro-ecological management: fertilizing and vermicompost treatments. *Bioresource Technology. J.* 59 (2/3): 199-206.
 26. Nannipieri, P., Segui, P., and Fusi, P. 1996. Humus and enzyme activity. P 293-327, In: Piccolo, A. (ed.), *Humic substances in terrestrial ecosystems*. Elsevier, Amesterdam.
 27. Nelson, D. W., and Sommers, L. P. 1982. Total carbon, organic carbon. *American Society Agronomy, Madison, WI*, 539-579.
 28. Olsen, S. R., Cole, C. V., Watenabe, F. S., and Dean, L. A1954. Estimation of available phosphorus in soil by extraction with sodium bicarbonate. *U. S. Department of Agriculture Cir.* 939. USA.
 29. Robin, A., Szmidt, R. A. K and Dickson, W. 2001. Use of compost in agriculture,

- Frequently Asked Questions (FAQs). Remade Scotland. PP: 324-336.
30. Ros, M., Hernandez, M. T and Garcia, C. 2003. Soil microbial activity after restoration of a semiarid soil by organic amendments. *Soil Biology & Biochemistry*. J. 35: 463-469.
 31. Saha, S., Mina, B. L., Gopinath, K. A., Kundu, S and Gupta, H. S. 2008. Relative changes in phosphatase activities as influenced by source and application rate of organic composts in field crops. *Bioresource Technology*. J. 99: 1750-1757.
 32. Senesi, N., Brunetti, G and Plaza, C. 2005. Quality of organic amendment and effects on Soil organic matter, with special emphasis on humic substances: a review of general aspects and most recent findings of the Bari group. In: Yang, J. E., Sa, T. M., Kim, J. J. (Eds.), *Application of the Emerging Soil Researches to the Conservation of Agricultural Ecosystems*. Korean Society of Soil Science and Fertilizer, Korean Society of Agriculture and Environment, Rural Development Administration Seoul, Korea. Pp: 95-129.
 33. Subler, S., Edward, C. A and Metzger, J. D. 1998. Comparing vermicompost and compost. *Biocycle*. J. 39: 63-68.
 34. Tabatabai, M. A. 1982. Soil enzymes. PP. 539-579. IN: A. C. page (Ed.). *Methods of soil analysis*. Part 2. Am. Soc. Agron., Madison, WI, USA.
 35. Tabatabai, M. A. 2003. Enzymes: past, present and future. Second international conference on enzyme in the environment: Activity, Ecology and Application. Prague, Czech Republic. 14-17.
 36. Tabatabai, M. A., and Bremner, J. M. 1969. Use of p-nitrophenylphosphate for assay of soil phosphatase activity. *Soil Biology and Biochemistry*. J. 1: 301-307.
 37. Tejada, M., Gonzales, J. L., Garcia-martinez, A. M and Parrado, J. 2007. Application of a green manure and composted with bett vinasse on soil restoration: Effects on soil properties. *Bioresource Technology*. J. 3: 212-220.